

## تبعات فرهنگی و اجتماعی مهاجرت اتباع افغان بر جامعه بلوچستان

امان الله تمنده روا

### چکیده

مهاجرت به عنوان پدیده ای انسانی، وسعتی به اندازه تاریخ بشر دارد. مهاجرت آثار و تبعات اجتماعی و فرهنگی متفاوتی برای کشورهای پذیرنده داشته و می تواند زندگی و اقتصاد مردم جوامع مهاجر پذیر را تحت تاثیر قرار دهد. یافته های مردم شناسی و بررسی های تاریخی نشان میدهد که مهاجرت بشر برای صدها هزار سال وجود داشته و به دلایل متعدد از جمله جنگ ها و کشمکش های داخلی و خارجی، خشکسالی و نابودی منابع درآمدی، یافتن فرصت های شغلی جدید، سیاست های دولت های مرکزی و... اتفاق افتاده است. مهاجرت مردم افغانستان به کشورهای همسایه، به ویژه ایران، یکی از شکل های مهاجرت بین المللی است که در دهه های اخیر و پس از اشغال این کشور توسط اتحاد جماهیر شوروی سابق و نیز وقوع جنگ های داخلی پس از آن روند صعودی داشته است.

بلوچستان به دلیل داشتن مرزهای مشترک با دو کشور پاکستان و افغانستان، سهولت عبور از مرز با کمک قاچاقچیان انسان، سخت گیری های دولتی کمتر و اشتراکات فرهنگی، مقصد بسیاری از مهاجران افغانستانی به کشور ما می باشد. این پژوهش به بررسی تبعات مهاجرت افغان ها به منطقه بلوچستان پرداخته است. یافته های پژوهش نشان می دهد که حضور گسترده و بلند مدت اتباع افغان در بلوچستان می تواند پیامدهای فرهنگی و اجتماعی متعددی بر جامعه محلی داشته باشد از جمله تغییر بافت جمعیتی و تبعات سیاسی و امنیتی آن، افزایش بیکاری و فقیر تر شدن مردم بومی، بروز آسیب های اجتماعی مانند حاشیه نشینی، سرقت و قتل های مسلحانه، گرانی مسکن و محل های کسب. روش تحقیق در این پژوهش با توجه به ماهیت موضوع، توصیفی- تحلیلی می باشد.

واژگان کلیدی: بلوچستان، مهاجرت، اتباع افغان، تبعات اجتماعی، مرز

## مقدمه

مهاجرت به عنوان پدیده ای انسانی، وسعتی به اندازه تاریخ بشر دارد. مهاجرت آثار و تبعات اجتماعی و فرهنگی متفاوتی برای کشورهای پذیرنده داشته و می تواند زندگی و اقتصاد مردم جوامع مهاجر پذیر را تحت تاثیر قرار دهد. مهاجرت همچنین یکی از مسائل بزرگ و پیچیده دنیای امروز است که ذهن سیاستمداران، برنامه ریزان اجتماعی و مسولان امنیتی کشورها را به خود مشغول کرده است. یافته های مردم شناسی و بررسی های تاریخی نشان میدهد که مهاجرت بشر برای صدها هزار سال وجود داشته و بدلائل متعدد از جمله جنگ ها و کشمکش های داخلی و خارجی، خشکسالی و نابودی منابع درآمدی، یافتن فرصت های شغلی جدید، سیاست های دولت های مرکزی و... اتفاق افتاده است.

مهاجرت به خودی خود نه تنها یک مشکل اجتماعی نیست، بلکه حتی میتواند راه حلی برای بحران های جمعیتی محسوب شود. مهاجرت می تواند اضافه جمعیت را از منطقه ای به منطقه دیگر هدایت کند. نیروی کار اضافی و بیکار یک منطقه را به مناطق نیازمند سوق بدهد، عدم تعادل های ساختاری جمعیت را مرتفع کند، موجب جذب سرمایه و انتقال فناوری به داخل کشور شود و باعث انتقال تجربه و مهارت بین جوامع مهاجر فرست و مهاجر پذیر شود.

## تعریف مهاجرت

مهاجرت حرکت انسانها در سطح جغرافیا است که با طرح قبلی صورت می گیرد و به تغییر محل اقامت آنها برای همیشه یا مدت طولانی می انجامد. (ساروخانی، ۱۳۷۰ ص ۴۵)

بروس کوئن مهاجرت را پدیده ای می داند که به دلایلی از قبیل ناکافی بودن عرضه مواد غذایی در یک منطقه خاص تعقیب و آزار عقیدتی یا سیاسی، جنگ، نفرتها و خصومت های قومی و ملی صورت می گیرد (کوئن، مبانی جامعه شناسی. ص ۲۸۴)

در لغت نامه جمعیت شناسی آمده است، مهاجرت شکلی از تحرک جغرافیایی یا مکانی جمعیت است که بین دو واحد جغرافیایی انجام می گیرد. (امانی و دیگران ۱۳۵۴ ص ۷۱)

برای فهم بهتر این پدیده باید دانست مهاجر کیست و چه تفاوتی با مفاهیمی چون پناهنده و... دارد. از نظر اداره امور اجتماعی سازمان ملل مهاجر کسی است که:

- ۱- جهانگرد، بازرگان، دانشجو و یا مسافر عادی نباشد.
- ۲- جزو ساکنان مراکزی که به طور عادی بین دو کشور رفت و آمد می کنند نباشند.
- ۳- جز پناهندگان یا افراد یا جمعیت‌های جابجا شده یا انتقال یافته نباشند (ساروخانی ۴۵)

با توجه به مباحث ذکر شده باید گفت: که عوامل - زمانی - مکانی - انگیزشی در بروز پدیده مهاجرت نقش اساسی دارند. بر این اساس می شود گفت که مهاجرت حرکت انسانها از یک نقطه به نقطه دیگر، در فاصله زمانی خاص با قصد و انگیزه بهبود خواهی است و باید دانست که در امر جابجایی های جمعیتی دو نوع گریز از اضطرار و اجبارهای محیطی، خود نوعی بهبودخواهی و رفاه طلبی است. از این رو انگیزه غالب مهاجرت ما بهبود طلبی، آسایش و آرامش است.

## نظریات علمی در خصوص مهاجرت

### نظریه وابستگی مهاجرت

پیروان نظریه وابستگی اعتقاد دارند مهاجرت از طرف معلول توسعه نابرابر است و از طرفی عامل گسترش تعمیق نابرابری، این نظریه در علت یابی مهاجرت از روستا به شهر در جهان سوم معتقدند ابتدا باید به مسئله توسعه یافتگی توجه نمود و در این رابطه نابرابری ساختی و مکانی میان بخش های جامعه را در نظر گرفت.

به طور کلی نظریه پردازان وابستگی؛ مهاجرت از روستا به شهر را در کشورهای جهان سوم پدیده ای جدید در ارتباط با گسترش سرمایه داری وابسته در این کشورها می دانند. از نظر معتقدین به این رویکرد، مهاجرت نه تنها شکل دهنده وابستگی کشورهای جهان سوم است بلکه خود باعث تقویت وابستگی این کشورها می شود. مهاجرت از طرفی عامل تقویت توسعه نیافتگی منطقه مهاجر فرست است. و از طرف دیگر عامل ایجاد و تشدید نارضایتی های منطقه مهاجرپذیر است.

### نظریه سیستمی مهاجرت

در تلاش برای طرح نگرش جامع به مساله مهاجرت های بین المللی کورتیز و همکارانش به تلفیق و تکمیل دیدگاههای مختلف پرداخته و بر پویایی جریانات مهاجرتی تاکید کرده اند، به نظر آنها مهاجرت های بین المللی که بین سرزمینهای مبدا و مقصد مهاجرتی جریان می یابند به طور تنگاتنگی با سایر حلقه های که در هم تنیده شده و سیستمی را به وجود می آورند که مهاجرت را شکل داده و به جریانی پویا و بالنده تبدیل می کنند، از نظر

آنان ارتباط تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی نه بصورتی تنها و جدا از هم بر مهاجرت تاثیر می گذارند بلکه به عنوان مجموعه ای تفکیک ناپذیر، بستر لازم برای مبادلات مهاجرتی فراهم کرده است و آن را تداوم می بخشد. (زنجانی ۱۳۰۸ ص ۱۲۹ - نظریه جذب و دفع اورت - س - لی ۱۹۶۶

او نظریه ای درباره مهاجرت داد که مهاجرت را تحت تاثیر چهار عامل عمده تبیین کرد.

۱- عوامل موجود در مبدا (برانگیزنده و بازدارنده)

۲- عوامل موجود در مقصد (برانگیزنده و بازدارنده)

۳- موانع موجود در جریان مهاجرت از مبدا به مقصد

### مهاجرت مردم افغانستان به ایران

مهاجرت مردم افغانستان به کشورهای همسایه، به ویژه ایران، یکی از شکل های مهاجرت بین المللی است که در دهه های اخیر و پس از اشغال این کشور توسط اتحاد جماهیر شوروی سابق و نیز وقوع جنگ های داخلی پس از آن روند صعودی داشته است. سید مجید میر احمدی معاون وزارت خارجه ایران میگوید: بر اساس رقم ثبت شده، شمار پناه جویان افغان در ایران بین ۴ میلیون و ۳۰۰ تا ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تن رسیده است. ایشان نقل کرده اند که این آمار پیش از این تخمینی بود اما پس از سرشماری، این رقم نهایی شده است.



طبق آخرین آمارهای سازمان جهانی مهاجرت، ایران در سال ۲۰۲۰ میزبان حدود ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر مهاجر بین المللی بود. ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر از این مهاجران افغانستانی، ۸۴ هزار نفر عراقی و ۲۸ هزار نفر از این مهاجران پاکستانی بودند. ایران در سال ۱۹۹۰ میزبان حدود ۴,۳ میلیون نفر مهاجر بین المللی از کشورهای مختلف بود. اما پس از این سال تعداد مهاجران در ایران روندی کاهشی را تا سال ۲۰۰۰ طی کرد. تعداد مهاجران در ایران بعد از سال ۲۰۰۰ تقریباً عددی ثابت بوده است. از ۲,۷ میلیون نفر مهاجر حاضر در ایران ۹۷۹ هزار نفرشان پناهنده محسوب می شدند. تعداد مهاجران بدون مدرک و غیرقانونی حاضر در ایران هیچ گاه به صورت دقیق مشخص نشده است. حتی عدد ۲,۷ میلیون مهاجر نیز از سوی سازمان جهانی مهاجرت آماری برآوردی است. از آن جا که ورود مهاجران غیرقانونی از مرزها به صورت قاچاق است، هیچ گونه آمار دقیقی در این مورد وجود ندارد.

موج جدید مهاجران افغانستانی به ایران پس از قدرت گرفتن طالبان شروع شد. بر اساس اعلام وزارت کشور

ایران تنها پس از تسلط طالبان بر افغانستان یک میلیون و ۶۰۰ هزار افغان به ایران مهاجرت کرده اند.

صادق رضا دوست، مدیر کل امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور میگوید: فعلاً بیش از 5 میلیون نفر از شهروندان افغانستانی در ایران حضور دارند.

البته با توجه به ورود روزانه چندین هزار تبعه افغان به داخل کشور و عدم سرشماری آنان به نظر می رسد آمار مهاجران افغان در کشور رقمی بسیار بیشتر از این باشد و حتی تا ده میلیون نفر تخمین زده می شود. بر اساس آمارهای سازمان جهانی مهاجرت، پیش از این هم سالانه بطور متوسط 500 هزار کارگر فصلی افغان بین ایران و افغانستان در حال رفت و آمد بوده اند.

توجه به چند آمار به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی از نشریات معتبر کشور میتواند نگرانی ها در خصوص حضور اتباع افغان در کشور را بیشتر نمایان سازد:

▶ جمعیت افغانها در ایران به مرز 8 میلیون نفر رسیده و روزانه حداقل 10 هزار نفر به صورت قانونی و غیرقانونی وارد کشور می شوند.

▶ برخلاف تصور مسئولین در زمینه باز نگه داشتن مرزها و صدور ویزای بین 5 تا 7 هزار در روز برای افغانها، اکثریت افغانهای ساکن و ورودی را افغانهای پشتو زبان تشکیل می دهند که نرخ زاد و ولد آنها بین 4.7 تا 5.2 درصد است. براساس گزارشها، تنها در بیمارستانهای تهران و شهرستانهای اطراف تهران، بین 50 تا 75 درصد زایمانها توسط زنان افغان است.

▶ در سال تحصیلی جاری 600 هزار دانش آموز افغان در مدارس دولتی ما حضور دارند و پیش بینی می شود این رقم در سال تحصیلی آینده به بیش از 1 میلیون و 200 هزار نفر برسد.

▶ ترکیب جمعیتی برخی استانها مانند اصفهان، یزد، کرمان، سیستان و بلوچستان کاملاً در حال تغییر است و به بالای 35 درصد افغانی رسیده است. ساحل دریاچه خلیج فارس تهران و میدان آزادی و میدان انقلاب هم که به نمایشگاه انواع چهره های افغانی تبدیل شده اند. ( روزنامه جمهوری اسلامی، 18/1/1401)

### سیستان و بلوچستان و مساله حضور بلند مدت اتباع افغان در این استان

استان سیستان و بلوچستان به دلیل داشتن مرزهای مشترک با کشور افغانستان، سهولت عبور از مرز و ورود به استان با کمک قاچاقچیان انسان، سخت گیری های کمتر دولتی، داشتن اشتراکات مذهبی و راحتی در انجام مناسک دینی و برخی مولفه های فرهنگی دیگر، مقصد بسیاری از مهاجران افغانستانی به کشور ما می باشد

بطوریکه در اغلب شهرهای استان شاهد حضور و اقامت گسترده مهاجران قانونی و غیر قانونی افغان هستیم که با کمترین مشکلی همچون دیگر شهروندان استان زندگی و فعالیت میکنند. این حضور بی رویه و طولانی مدت تبعات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی متعددی برای ساکنین استان به همراه داشته و سوالاتی را به ذهن پژوهشگران متبادر می سازد که پاسخ آن نیاز به پژوهش در این زمینه را ضروری می کند.

مساله مهاجرت بی رویه اتباع افغان به کشور و تبعات فرهنگی و اجتماعی آن بویژه در استان مرزی سیستان و بلوچستان مساله ای است که با وجود نگرانی فعالان اجتماعی، تاکنون توجهی چندانی به آن در دانشگاههای استان نشده است و بررسی علمی و بحث و گفتگو در مورد آن به روشنگری در این زمینه کمک کرده و ضمن ایجاد حساسیت در قشر دانشگاهی و قشر دانشجو که به آینده شغلی، مسایل هویتی و امنیت آنان مربوط می شود، میتواند راهکارهای لازم برای مواجهه با پدیده مهاجرت بی رویه و چگونگی تعامل با اتباع افغان ارائه دهد. از این لحاظ دانشگاه نقش خود را در اثر گذاری بر تحولات جامعه پر رنگ تر خواهد کرد و قشر دانشجو نیز چگونگی تعامل علمی با پدیده های اجتماعی را بجای تقابل با آنان تمرین خواهد کرد.

تصویب قانون اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از ازدواج شرعی زنان ایرانی با مردان خارجی در سال 98 نیز امکان ازدواج زنان و دختران ایرانی از خانواده های فقیر با مردان افغان را افزایش خواهد داد. این امر ضمن اینکه می تواند تا حدی مشکل فرزندان حاصل از ازدواج اتباع افغان با زنان ایرانی که فاقد شناسنامه هستند را کاهش دهد، میتواند زمینه افزایش اینگونه ازدواج ها و ایجاد تبعات جدیدی ناشی از التقاط فرهنگی، ژنتیکی و هویتی و شکل گیری نسل جدیدی از شهروندان دو تابعیتی ایرانی - افغانی را به همراه داشته باشد. جمع بندی جامعه شناسانه این چند محور بطور طبیعی این است که ایران به زودی با یک دگردیسی عمیق اجتماعی - سیاسی مواجه خواهد شد که ابعاد آن به سختی قابل کنترل خواهد بود.

سوالاتی که در این پژوهش مطرح می شود به قرار ذیل است:

- ▶ 1- حضور اتباع افغان در مناطق شهری و روستایی استان چه تاثیرات فرهنگی و اجتماعی ای بر جامعه محلی خواهد داشت؟
- ▶ 2- چه راهکارهایی می توان پیشنهاد داد که حضور اتباع افغان و کار و فعالیت آنان در استان کمترین تبعات منفی برای شهروندان استان داشته باشد؟
- ▶ 3- چگونه می توان هم از حضور و اقامت اتباع افغان برای توسعه استان بهره گرفت و هم از تقابل و رقابت ناسالم آنان با فعالان اقتصادی جلوگیری کرد؟

## فرضیات تحقیق

تعداد مهاجران افغانستانی در ایران، بخصوص در استان سیستان و بلوچستان در حال افزایش است. مهاجران افغان برای اقامت در شهرهای استان، تامین امنیت خود، یافتن فرصت های شغلی و تحصیل فرزندان شان هیچ مانعی برای خود نمی بینند و به مهاجرت و حضورشان در این استان استمرار می بخشند. این قضیه می تواند تبعات اجتماعی و فرهنگی متعددی برای شهروندان استان ایجاد کند. چندین فرض برای استمرار حضور اتباع افغان در استان به نظر می آید که به آنها اشاره می شود:

- ▶ امکان تغییر بافت جمعیتی استان با حضور و اقامت طولانی مدت اتباع افغان
- ▶ گرفتن فرصت های شغلی ساکنین بومی استان توسط اتباع افغان
- ▶ افزایش اجاره بهای منازل و محل های کسب در شهرها با افزایش حضور اتباع افغان و افزایش تقاضا برای این گونه اماکن و نهایتا افزایش هزینه زندگی برای ساکنین بومی استان
- ▶ تاثیر پذیری فرهنگ بومی مردم استان با قرار گرفتن در مجاورت فرهنگ مردم افغانستان
- ▶ امکان شناسایی مراکز حساس نظامی، تاسیسات زیربنایی و اماکن استراتژیک استان توسط عوامل اطلاعاتی، جاسوسی و امنیتی افغان
- ▶ افزایش تبعات اجتماعی حضور اتباع افغان در منطقه مانند قاچاق مواد مخدر، قاچاق سلاح و مهمات، ایجاد مشاغل کاذب، زباله گردی، کودکان کار و رواج مشاغل خطرناک مانند قاچاق انسان و سوخت.
- ▶ رونق تجارت و کسب و کار در شهرها با حضور اتباع افغان و ایجاد رقابت در بازار و ارزان تر شدن کالا و خدمات
- ▶ رونق فعالیت های ساختمانی و افزایش ساخت و ساز با افزایش تقاضا برای املاک مسکونی و تجاری و وجود کارگر ساختمانی ارزان قیمت افغانستانی
- ▶ انتقال مهارت های فنی از استادکاران افغانستانی به اتباع ایرانی با فعالیت آنان در مراکز فنی و تعمیراتی
- ▶ جذب سرمایه گذاری خارجی بویژه در منطقه آزاد چابهار با تسهیل شرایط ورود سرمایه اتباع افغان
- از دیگر کشورها به استان و ایجاد مراکز تجاری و تولیدی

## روش تحقیق :

روش پژوهش توصیفی تحلیلی می باشد.

## مبانی نظری و پیشینه:

وحدت آزاد (1391) به علل سیاسی و اجتماعی مهاجرت افغانها به ایران پس از انقلاب اسلامی پرداخته است. کوپکه (2011) نتایج اقتصادی حضور افغانها در ایران را مثبت ارزیابی میکند و بر این است که آنها مشارکت زیادی در اقتصاد ایران به عنوان نیروی کار ارزان خارجی و بخصوص در صنعت ساختمان سازی داشته اند. ماهر (1373)، علوی (1381)، شاطریان و گنجی (1389)، و عیسی زاده و مهران فر (1391) به این نتیجه رسیده اند که پیامدهای اشتغال مهاجران افغان در جامعه میزبان افزایش بیکاری، کاهش فرصت های شغلی بومیان، خروج ارز از کشور و در نهایت کاهش ضریب امنیت ملی کشور است.

**زرقانی و همکاران (1396) در خصوص مدیریت مهاجران افغانستانی در کشور به این نتایج دست یافته اند:**

1. لزوم هماهنگی بیشتر بین سازمان های مختلف متولی و تدوین برنامه مدون و دقیق درباره مهاجران خارجی به منظور جلوگیری از ارتکاب جرم، قاچاق، سو استفاده اطلاعاتی بیگانگان و نیز کنترل و مدیریت اتباع خارجی و افغانستانی

2- ضرورت به روز کردن قوانین و اجرای دقیق آن و تهیه آمار صحیح درباره مهاجران خارجی در جهت جلوگیری از تغییر بافت کالبدی شهرها و روستاها، ازدواجی غیر قانونی و تغییر هرم سنی جمعیت. پور روحانی (2014)، محمودیان (1386)، میرزایی (1393)، نقش نژاد (2015)، عباسی شوازی و صادقی (2014) و عباسی شوازی و دیگران (2015) به بررسی منابع نابرابری (از جمله موانع تحصیلی و اشتغال) میان نسل دوم و سوم افغان و جمعیت میزبان و نیز میزان سازگاری فرهنگی - اجتماعی نسل دوم افغان با جامعه ایران پرداخته اند.

تا آن جا که مطالعات گذشته نشان می دهد تاکنون در خصوص تبعات اجتماعی و فرهنگی حضور گسترده اتباع افغان بر جامعه محلی تاکنون پژوهشی انجام نشده است. بنا براین مطالعه حاضر می کوشد با بحث و بررسی این پدیده به زوایای پنهان مهاجرت و بومی شدن شهروندان افغانستانی و تاثیرات آن بر جامعه محلی در استان سیستان و بلوچستان بپردازد.



## شرح پژوهش

امروزه با وقوع جنگ‌ها، مشکلات سیاسی در کشورهای در حال توسعه، بیکاری، علاقه مندی به زندگی در شرایط بهتر اجتماعی، شرایط بهتر تحصیلی و اقتصادی در کشورهای مهاجر پذیر و پدیده های طبیعی مانند سیل و خشکسالی، تمایل به مهاجرت در دنیا افزایش پیدا کرده است. کشور ایران با اینکه در سالهای اخیر با داشتن شرایط مختلف سیاسی و تحریم های اقتصادی از کشورهای مهاجر فرست می باشد اما به دلیل شرایط بهتر امنیتی و اجتماعی نسبت به برخی کشورهای همسایه، از کشورهای مهاجر پذیر منطقه نیز محسوب می شود. حضور مهاجران عراقی، پاکستانی و بویژه افغانستانی شاهد این قضیه است. مهاجران افغان به دلیل راحتی عبور از مرز بدون نیاز به مدارک هویتی، داشتن دین و زبان مشترک و امکان کار مخفیانه در باغات و مزارع و کارهای ساختمانی، همه روزه به تعداد زیاد از طرق قانونی یا غیر قانونی وارد کشورمان شده و بسیاری از آنان سیستان و بلوچستان را به عنوان مقصد مهاجرت و اقامت خود در نظر می گیرند.

حضور طولانی مدت اتباع افغان در استان سیستان و بلوچستان تبعات مثبت و منفی متعددی داشته که می طلبد مورد توجه دانشگاهیان، مدیران و فعالان اجتماعی استان قرار گیرد. به دلیل گستردگی پیامدهای حضور مهاجرین در استان، در این پژوهش فقط به پیامدهای اجتماعی و فرهنگی آن پرداخته می شود. برخی از تبعات منفی حضور افغان ها شامل جعل مدارک هویتی و اداری مانند شناسنامه، گواهی نامه و مجوزهای اداری مختلف، پرداخت رشوه برای رفع مشکلات خود از طریق اغفال مأموران، ارتکاب بعضی از جرائم مانند سرقت، زورگیری، توزیع مواد مخدر، راه اندازی اماکن دپوی سوخت غیر مجاز (مندی)، راه اندازی واحدهای ضایعاتی و کمک به زباله گردی و سرقت تجهیزات شهری، اشتغال به کار غیرمجاز در صنوف مختلف به صورت کارگری یا خویش فرما، پول شویی حاصل از معاملات مواد مخدر و...

همچنین میتوان به ایجاد رقابت در کسب فرصت های شغلی بین اتباع افغان و شهروندان استان در بخش غیر دولتی و افزایش بیکاری شهروندان ایرانی، افزایش کودکان کار، زباله گردی و نازیبایی چهره شهرها، گسترش فرهنگ رانندگی خطرناک در جاده ها به منظور فرار از دست ماموران با عادی شدن مساله قاچاق انسان، شیوع مصرف ماده مخدر ناس و دیگر انواع مخدرات وارداتی از افغانستان در استان اشاره کرد.

از دیگر تبعات منفی سیل مهاجران افغانستانی می توان میتوان به نبود فرهنگ کنترل و تنظیم خانواده در بین آنان و خطر افزایش مولید و تغییر بافت جمعیتی استان به نفع اتباع افغان اشاره کرد.

استفاده از منابع محدود مواد غذایی و ارزاق یارانه ای دولتی مانند نان، گاز و...و ایجاد مشکل برای شهروندان استان. بعنوان مثال میتوان به اقامت حدود 37000 تبعه افغان در شهر ایران شهر و مصرف حدود 500 تن آرد

دولتی و ارزان قیمت نانوایی ها توسط آنان و شلوغی صف های نانوایی ها و مشکل تهیه نان توسط شهروندان این شهر اشاره کرد.

همچنین عدم بررسی سوابق شغلی و وابستگی نهادی مهاجران افغان توسط نهادهای ذیربط استانی، امکان حضور و نفوذ بلند مدت ماموران اطلاعاتی و امنیتی کشور افغانستان در استان و شناسایی مراکز حساس نظامی و امنیتی، تاسیسات حیاتی مانند نیروگاههای برق، انبارهای ذخیره سوخت و مواد غذایی، بنادر و اسکله ها و دیگر مراکز استراتژیک را برای آنان فراهم میکند که در هنگام بروز احتمالی جنگ بین دو کشور، هدف قرار دادن این مراکز را برای آنان آسان و میسر می سازد.

از پیامدهای مثبت حضور افغانها میتوان به رونق فعالیت های ساختمانی با حضور کارگران با دستمزد پایین، تامین نیروی کار باغات و مزارع و رونق کشاورزی، رونق کسب و کار با ایجاد بازار رقابتی توسط مهاجران افغان و در مواردی نیز جذب سرمایه گذاری خارجی که نمونه آن حضور تجار و سرمایه گذاران افغان در منطقه آزاد چابهار می باشد که البته این مورد با کنار زدن رقبای ایرانی و ورشکستگی برخی تجار ایرانی همراه بوده است.

همچنین حضور افغانها در استان باعث ارزان تر شدن بخشی از خدمات از جمله تعمیرات خودرو، دوخت و دوز لباس های زنانه و مردانه، به اجاره رفتن خانه های کلنگی و قدیمی که برخی شهروندان استان حاضر به اقامت در آن نیستند، انجام برخی کارهای فنی و ساختمانی که نیروی ماهر فنی آن در بین شهروندان استان وجود ندارد یا به اندازه کافی موجود نیست.

### **نتیجه گیری و پیشنهادات**

آنچه مشخص است این است که حضور پر جمعیت و ادامه دار اتباع افغان در کشور و بخصوص در استان سیستان و بلوچستان باعث ایجاد دغدغه برای فعالان اجتماعی شده است. از یک سو احساسات دینی و انسانی و ترحم نسبت به مردم کشور مسلمان همسایه که چندین دهه درگیر جنگ و آوارگی و احساس نا امنی بوده و با مشکلات عدیده اقتصادی و امنیتی مواجه و مجبور به ترک وطن خویش شده اند و با قبول شرط آوارگی و مهاجر بودن در کشور ما تا حدی احساس امنیت و ثبات میکنند، باعث شده بسیاری از مردم ما با اغماض و گاهی بدون داشتن چاره ای دیگر ، حضور اتباع افغان را در شهر و دیار و محل کار و زندگی خود تحمل کنند. از سوی دیگر اما، هم دولت و نظام جمهوری اسلامی ایران و هم مردم کشور باید پذیرش شهروندان افغان را تحت ظابطه و مدیریت قرار دهند بگونه ای که هم اقامت آنان قانونی شود و هم منافع و امنیت مردم کشورمان حفظ شود.

نکته دیگر در اقامت طولانی مدت مهاجران افغانستانی در استان، ترکیب و همگون شدن با شهروندان استان از طریق ازدواج با دختران ایرانی، کسب هویت ایرانی با اخذ و جعل شناسنامه، خرید ملک و اموال غیر منقول است که به تدریج اقامت آنان را قانونی میکند.

- اکنون که به دلایل فقر و بیکاری و عدم پایداری شرایط در کشور افغانستان و به دیگر دلایل انسان دوستانه و همچنین نیاز کشور ما به بخشی از نیروی کار جوان افغانستانی امکان بازگرداندن مهاجران افغان در کوتاه مدت امکان پذیر نیست پیشنهاد می شود جمعیت افغان ساکن استان به نحو شایسته ای مدیریت شوند. این امر باید طی یک اقدام هماهنگ از سوی وزارت کشور و نهادهای ذیربط آن در استان از جمله ادارات اتباع و مهاجرین خارجی، نیروی انتظامی، سپاه پاسداران، مرزبانان و با همکاری علما و معتمدین استان صورت پذیرد.
- مدیریت و ساماندهی اتباع افغان باید به گونه ای باشد که باعث ایجاد ذهنیت مقابله و یا بروز رفتارهای خشونت آمیز علیه مهاجران افغان نشود. همچنین باید مانع رفتارهای نژاد پرستانه و ضد انسانی علیه آنان شد.
- همچنین باید ساز و کار دریافت مالیات از کسب و کارهای پر سود اتباع افغان تنظیم و با دقت اجرا شود.
- همه اتباع افغان برای ثبت مشخصات و دریافت اوراق اقامتی با محدودیت زمانی فراخوانده شوند و در صورت عدم تمکین با دادن مهلت از کشور اخراج شوند.
- اتباع افغانی که با همکاری شهروندان بومی یا افراد فاسد در ادارات استان اقدام به فعالیت های غیر قانونی از جمله پول شویی، سوخت بری در مقیاس بالا، راه اندازی بار انداز قاچاق سوخت و انسان و قاچاق مواد مخدر می کنند با اقدامات اطلاعاتی سریعتر دستگیر و مجازات شوند.

## منابع

1. ذوافقاری، حسین، (1396)، تاثیر مهاجرت غیر قانونی بر مرزهای (مطالعه موردی مرزهای جنوب شرق کشور)، پژوهش نامه مطالعات مرزی، سال پنجم، شماره سوم، پاییز 1396
2. عصار، محمد تقی و بیابانی، غلامحسین (1386)، قاچاق بین المللی انسان و پیامدهای آن، نشر کارآگاه، دوره دوم، شماره 27، صص 31-46.
3. کوئن، بروس، (1391)، مبانی جامعه شناسی، مترجم (ها) : دکتر غلامعباس توسلی ، دکتر رضا فاضل. انتشارات سمت

4. کشاورز قاسمی، حسین و نادرپور، بابک (1397)، تبیین پیامدهای مهاجرت اتباع کشور افغانستان بر جامعه ایران (مطالعه موردی شهر قزوین)، فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای) سال هشتم، شماره 3، تابستان 1397، صص 298 - 305

5. وحدت آزاد، فرشاد (1391) بررسی علل سیاسی - اجتماعی مهاجرت افغانها به ایران (پس از انقلاب اسلامی)، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: دکتر محمد علی خسروی، گروه علوم سیاسی واحد تهران مرکزی.